

فرصت‌های کارآفرینی در افغانستان

علی حسین قاسمی^۱

چیده

کشور افغانستان با وجود مواجهه با چالش‌های امنیتی و اقتصادی متعدد، دارای ظرفیت‌ها و فرصت‌های بالقوه برای توسعه کارآفرینی است که می‌تواند به‌عنوان محرکی مؤثر در رشد اقتصادی و ارتقای رفاه اجتماعی ایفای نقش نماید. منابع طبیعی فراوان، جمعیت جوان و بازارهای در حال توسعه، زمینه مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی فراهم کرده‌اند. بخش کشاورزی، به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد ملی، با قابلیت‌های گسترده در تولید و فرآوری محصولات متنوع، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد کسب‌وکارهای نوآورانه را فراهم می‌کند. علاوه بر آن، صنایع دستی سنتی با پتانسیل بالای صادرات به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه مناسبی برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ایجاد کرده است. رشد سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و نفوذ اینترنت، توسعه استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای دیجیتال را تسهیل کرده و می‌تواند دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی را بهبود بخشد و سهم قابل توجهی در اشتغال‌زایی داشته باشد. همچنین، حوزه‌های خدمات اجتماعی، بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل با تقاضای رو به افزایش، فرصت‌های جدیدی برای کارآفرینی اجتماعی ایجاد می‌کنند.

این تحقیق به روش مروری-کتابخانه‌ای و با استناد به مطالعات پیشین انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محدودیت‌هایی مانند کمبود زیرساخت‌های فنی، دسترسی ناکافی به منابع مالی، ضعف نظام‌های حمایتی و نااطمینانی‌های امنیتی، چالش‌های اصلی توسعه کارآفرینی در افغانستان هستند. در نتیجه، تدوین سیاست‌های حمایتی جامع، ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی نیروی انسانی، تسهیل دسترسی به منابع مالی و ایجاد فضای کسب‌وکار پایدار، از الزامات بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های موجود است. همچنین، تمرکز بر توانمندسازی جوانان و زنان به‌عنوان گروه‌های محرک توسعه اقتصادی، می‌تواند به بهبود شاخص‌های اشتغال و کاهش فقر منجر شود. به طور کلی، با اتخاذ راهبردهای هدفمند و هماهنگ، فرصت‌های کارآفرینی در افغانستان قابلیت تبدیل شدن به عامل اصلی رشد اقتصادی پایدار و توسعه اجتماعی را دارند.

واژگان کلیدی: کار، کارآفرینی، فرصت‌های کارآفرینی، افغانستان

۱. کارشناسی ارشد، رشته مالی و بانکداری اسلامی، پوهنتون جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

ایمیل: aghasemi@718gmail.com

مقدمه

کارآفرینان به عنوان موتور توسعه اقتصادی، نقش کلیدی در ایجاد آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی و اجتماعی دارند. صاحب نظران اقتصادی به رابطه تنگاتنگ میان کارآفرینی و اشتغال اذعان دارند و تجارب کشورهای مختلف نیز این ارتباط را تأیید می‌کند؛ به طوری که کندی فعالیت‌های کارآفرینی در یک جامعه معمولاً با افزایش نرخ بیکاری همراه است. علاوه بر اشتغال‌زایی، کارآفرینان با شناسایی فرصت‌های اقتصادی، منابع خام و دیگر امکانات در مناطق بکر و ایجاد مؤسسات، شرکت‌ها یا کارخانه‌ها، به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کنند. نقش کارآفرینی تنها محدود به افزایش بازده و درآمد سرانه نیست، بلکه شامل ایجاد تغییرات ساختاری در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی نیز می‌شود. این تغییرات، در واقع، نقطه آغاز حرکت توسعه و رشد پایدار در یک جامعه هستند. کارآفرینان نه تنها با ارائه محصولات و خدمات جدید در بازار، بلکه از طریق جذب سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی فعالیت‌های نوآورانه، سهم مهمی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند (دادگر و غلامزاد، ۱۳۸۹: ۶).

در افغانستان، با وجود ظرفیت‌های بالقوه فراوان در زمینه منابع طبیعی، جمعیت جوان و بازارهای در حال توسعه، کارآفرینی با موانع و چالش‌های جدی مواجه است. شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور موجب شده است که بسیاری از کسب‌وکارها در مراحل شکل‌گیری یا رشد با مشکلات اساسی روبرو شوند. این محدودیت‌ها شامل کمبود زیرساخت‌های فنی، دسترسی ناکافی به منابع مالی، ضعف نظام‌های حمایتی و نااطمینانی‌های امنیتی هستند. بنابراین، بررسی فرصت‌ها و چالش‌های کارآفرینی در افغانستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و راهبردهای موثر برای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی کشور باشد.

۱. تعریف مفاهیم

در هر پژوهش علمی، روشن بودن مفاهیم کلیدی، چارچوب نظری و فهم موضوع را تسهیل می‌کند. در این مطالعه، مفاهیم وضوح و دقت در مفاهیم کلیدی، پایه و مبنای



تحلیل علمی هر پژوهش است. در این مطالعه، مفاهیم اصلی شامل «کار»، «کارآفرینی»، «کارآفرینان» و «فرصت» می‌باشند. بررسی و تبیین این مفاهیم، امکان تحلیل دقیق نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فهم بهتر فرصت‌ها و چالش‌های کارآفرینی در افغانستان را فراهم می‌آورد. ارائه چارچوب مفهومی روشن، همچنین زمینه‌ای منطقی برای بحث‌ها و تحلیل‌های بعدی پژوهش ایجاد می‌کند و تضمین می‌کند که خواننده، پایه نظری و عملی مقاله را به درستی درک کند.

۱-۱. مفهوم فرصت

صاحب‌نظران تعاریف متعددی برای واژه «فرصت» ارائه کرده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت محوری آن در حوزه کارآفرینی است. شین و ونکاتارامان (Shane & Venkataraman, ۲۰۰۰) فرصت را به هر موقعیتی اطلاق می‌کنند که در آن بتوان محصولات، خدمات، مواد خام، بازار یا شیوه‌های سازمان‌دهی جدیدی ارائه نمود. شین همچنین فرصت را به عنوان موقعیتی معرفی می‌کند که در آن فرد باور دارد با نوترکیبی منابع می‌تواند به سود دست یابد. در تعریفی دیگر، فرصت در مقابل تهدید معنا می‌یابد؛ فرصت موقعیتی است که اولاً قابلیت کنترل توسط فرد را دارد و ثانیاً پیامدهای مثبتی برای او به همراه دارد. در مقابل، تهدید به هر موقعیت کنترل‌ناپذیر با پیامدهای منفی گفته می‌شود (زیودار و مهدی، ۱۳۹۸).

مک‌کلاین و همکاران (۲۰۰۰) نیز فرصت را پدیده‌ای وابسته به شرایط محیطی می‌دانند که ظهور آن تابع عوامل اقتصادی، اجتماعی و فناوری است (زیودار و مهدی، ۱۳۹۸). بر اساس این دیدگاه‌ها، مفهوم فرصت یکی از محوری‌ترین مباحث در کارآفرینی محسوب می‌شود، زیرا موفقیت کارآفرینان تا حد زیادی به توانایی آنها در شناسایی و بهره‌برداری از این موقعیت‌ها بستگی دارد. فرصت‌ها، به ویژه آن دسته که شرایط محیطی و منابع در دسترس را با نیازهای بازار پیوند می‌دهند، نقش کلیدی در ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. به همین دلیل، کارآفرینان موفق نه تنها توانایی تشخیص فرصت‌ها را دارند، بلکه با مدیریت منابع و مهارت در اجرای طرح‌های نوآورانه، می‌توانند از موقعیت‌های پیش‌آمده بیشترین بهره را ببرند.

۲-۱. کار

از نظر اقتصاددانان لیبرال، کار عبارت است از استفاده‌ای که انسان از قوای مادی و معنوی خود در راه تولید ثروت یا ارائه خدمات می‌کند (خوشگوار، ۱۳۸۵). در اسلام نیز، کار به کوششی اطلاق می‌شود که در ازای آن مالی اعم از پول یا غیره دریافت می‌شود (ابطحی، ۱۳۸۴). بنابراین، می‌توان کار را به عنوان انجام عملی تعریف کرد که منجر به تولید ثروت یا ارائه خدمت می‌شود و در مقابل آن مزدی مادی یا پولی دریافت می‌شود. این تعریف، کار را به عنوان محور تولید ارزش اقتصادی و اجتماعی در جامعه مطرح می‌کند و نشان‌دهنده اهمیت انسان و تلاش او در فرآیندهای اقتصادی است.

۳-۱. کارآفرین

کارآفرینان، توانایی شناسایی فرصت‌هایی را دارند که دیگران به آن توجه نمی‌کنند؛ بر اساس مطالعات، ۷۹ درصد کارآفرینان از شناسایی فرصت‌ها بهره برده‌اند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). کارآفرین کسی است که مسئولیت هماهنگی منابع مورد نیاز برای بهره‌برداری از فرصت‌ها را بر عهده دارد و می‌اندیشد چگونه، کجا، چه زمانی و با چه نهادهایی منابع را سازماندهی کند (احمدزاده و همکاران، ۲۰۲۱).

کارآفرین معمولاً تصمیم‌گیرنده نهایی است و در این مسیر تمام مهارت، تلاش و انرژی خود را به کار می‌گیرد؛ در صورت شکست، مسئولیت آن را شخصاً می‌پذیرد (دادگر و غلامزاده، ۱۳۸۹: ۸). بنابراین، می‌توان گفت کارآفرین کسی است که با شناسایی یک فرصت اقتصادی، توانایی سازماندهی منابع، ایجاد کسب‌وکار و پذیرش ریسک‌های مالی و اجتماعی را دارد تا ایده‌ای را به محصول یا خدمت تبدیل کند. ویژگی کلیدی کارآفرینان، فراتر رفتن از کسب سود شخصی است؛ آن‌ها با هدف ایجاد ارزش برای مشتریان، جامعه و گاهی حتی در سطح جهانی فعالیت می‌کنند و در نتیجه، نقش محوری در توسعه اقتصادی، اشتغال‌زایی و نوآوری ایفا می‌کنند.

۴-۱. کارآفرینی

کارآفرینی فرآیند کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری مناسب برای خلق ثروت



شخصی و ارزش اجتماعی است. این فرایند شامل توسعه ایده‌های نوآورانه، ارائه روش‌های جدید انجام کار و ایجاد تغییرات مثبت در زندگی فرد و جامعه می‌شود (حسینی نیا و موسوی، ۱۳۹۷).

در اقتصاد، کارآفرینی با مدیریت نیروی کار، منابع و سرمایه می‌تواند سودآوری ایجاد کند و چشم‌انداز آن بر پایه شناسایی مشکلات، پذیرش ریسک و بهره‌برداری از فرصت‌ها شکل می‌گیرد. کارآفرینی یکی از اجزای ضروری توانایی یک کشور برای موفقیت در بازار جهانی پرچالش و رقابتی است (فکور، ۱۳۸۸).

از نظر «ارتورکول»، کارآفرینی فعالیتی هدفمند است که شامل تصمیمات منسجم فرد یا گروهی برای ایجاد، توسعه یا حفظ واحدهای اقتصادی می‌شود. «روبرت نشات» نیز آن را به‌عنوان پذیرش مخاطره، تعقیب فرصت‌ها، ارضای نیازها از طریق نوآوری و تأسیس کسب‌وکار تعریف می‌کند، و «پیتر دراگر» کارآفرینی را رفتاری مدیریتی می‌داند که شامل به‌کارگیری مفاهیم و تکنیک‌های مدیریتی، استانداردسازی محصولات و بنا نهادن فعالیت‌ها بر پایه آموزش است. کارآفرینی به‌عنوان محرک رشد و شکوفایی اقتصادی، سایر عوامل تولید را در ایجاد ارزش، تحریک، هدایت و سازمان‌دهی به کار می‌گیرد. این فعالیت، هم از طریق افزایش کمیت تولید و هم از طریق بهبود کیفیت آن، موجب تسریع رشد اقتصادی و تشویق توسعه پایدار می‌شود (باتلر، ۱۴۰۱).

مطالعات نشان داده‌اند (مانند مطالعه‌ای در مورد کشاورزان نروژ) که توسعه کارآفرینی، منجر به افزایش دسترسی به اطلاعات، ایجاد شبکه‌های کسب‌وکار منسجم و فراهم شدن فرصت‌های شغلی می‌گردد (فرج‌الله حسینی و غیاث‌وند غیاثی، ۱۳۹۰).

به بیان دیگر، کارآفرینی زمینه‌ساز تغییرات اجتماعی است؛ با حمایت از عدالت اجتماعی، ارتقای توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی افراد و جوامع، به توانمندسازی شخصی، افزایش اعتمادبه‌نفس، تقویت ریسک‌پذیری، استقامت و مهارت‌های رهبری افراد کمک می‌کند. از این منظر، کارآفرینی نه تنها به تولید ارزش اقتصادی، بلکه به توسعه انسانی و اجتماعی نیز نقش اساسی ایفا می‌کند.

۲. فرصت‌های کارآفرینی در افغانستان

افغانستان، که به «قلب آسیا» مشهور است، از ظرفیت‌ها و فرصت‌های کارآفرینی قابل توجهی برخوردار است. برخی از این فرصت‌ها عبارت‌اند از:

۲_۱. وجود نیروی کار ارزان و وافر

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های کارآفرینی در افغانستان، دسترسی به نیروی کار جوان و فراوان است. این مزیت می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی به کار گرفته شود و نقش کلیدی در توسعه صنایع کوچک و متوسط، کشاورزی و خدمات نوآورانه ایفا کند.

الف. هزینه پایین نیروی کار

دستمزدهای نسبتاً پایین نسبت به کشورهای منطقه، امکان راه‌اندازی کسب‌وکارهای کاربرمحور مانند کارگاه‌های تولیدی، مراکز خدماتی و مراکز تماس را فراهم می‌کند.

ب. جمعیت جوان

جمعیت بالای جوانان با انرژی و انگیزه زیاد، فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند فناوری، آموزش، کشاورزی مدرن و خدمات نوآورانه ایجاد می‌کند.

ج. قابلیت آموزش و توسعه مهارت

بسیاری از جوانان جویای کار، آمادگی یادگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای جدید را دارند. این موضوع فرصت مناسبی برای ایجاد مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای، استارت‌آپ‌های آموزشی و توسعه ظرفیت‌های انسانی فراهم می‌آورد.

د. توسعه صنایع کوچک و متوسط

با بهره‌گیری از نیروی کار ارزان و در دسترس، می‌توان کارگاه‌های تولیدی، صنایع دستی، قالی‌بافی، تولید مواد غذایی محلی و بسته‌بندی محصولات کشاورزی را راه‌اندازی کرد، که هم ارزش افزوده ایجاد می‌کنند و هم اشتغال‌زایی مستقیم دارند.

هـ. توانمندسازی زنان

بخشی از نیروی کار بالقوه، زنان هستند که با ایجاد فرصت‌های شغلی خانگی یا



انعطاف‌پذیر (مانند دوخت و دوز، صنایع دستی یا کسب‌وکارهای آنلاین) می‌توان آن‌ها را نیز وارد چرخه تولید و اقتصاد کرد و سهم زنان در توسعه اقتصادی افزایش یابد.

۲_۲. فرصت‌های کارآفرینی در بخش کشاورزی

کشاورزی یکی از مهم‌ترین و پربازده‌ترین حوزه‌ها برای کارآفرینی در افغانستان است. برخی فرصت‌های شاخص در این بخش عبارت‌اند از:

الف) ایجاد مزارع تجاری و تعاونی

راه‌اندازی مزارع بزرگ برای کشت محصولات با ارزش مانند زعفران، انار، بادام، انگور و سبزیجات، و تشکیل گروه‌های کشاورزی تعاونی برای تقسیم سود و افزایش تولید، از جمله فرصت‌های مناسب برای کارآفرینی در بخش کشاورزی هستند.

ب) پرورش گیاهان دارویی و صادرات آن‌ها

اقلیم افغانستان مناسب گیاهان دارویی مانند گل‌گاوزبان، بابونه و زیره است؛ کارآفرینان می‌توانند این محصولات را کاشته، برداشت و فرآوری کرده و به بازارهای منطقه‌ای صادر کنند.

ج) صنایع تبدیلی کشاورزی

دیگر فرصت کارآفرینی که می‌توان به آن اشاره کرد صنایع تبدیلی کشاورزی است. راه‌اندازی کارگاه‌های خشک‌کردن میوه، بسته‌بندی سبزی‌ها و فرآوری لبنیات، که نیازمند نیروی کار فراوان و ایجاد ارزش افزوده بالا هستند.

د) آبیاری مدرن و خدمات فنی کشاورزی

آموزش و استخدام جوانان برای نصب سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، گلخانه‌ها و ارائه خدمات فنی به کشاورزان، که علاوه بر اشتغال، بهره‌وری کشاورزی را افزایش می‌دهد.

هـ) کسب‌وکارهای مبتنی بر فناوری کشاورزی

ایجاد اپلیکیشن‌ها و پلتفرم‌های موبایلی برای مشاوره، پیش‌بینی آب‌وهوا، اطلاع از قیمت محصولات و فروش آنلاین، که جوانان محلی می‌توانند در آن‌ها مشارکت داشته باشند.

و) ایجاد مراکز آموزش کشاورزی

راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای آموزش کشت مدرن، استفاده از کودهای طبیعی و آبیاری مؤثر، که علاوه بر اشتغال مستقیم، سطح دانش و توانمندی کشاورزان را نیز افزایش می‌دهد.

این فرصت‌ها نشان می‌دهند که نیروی کار جوان و فراوان افغانستان، در کنار منابع طبیعی و ظرفیت‌های کشاورزی، می‌تواند نقطه شروعی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط، نوآوری در کشاورزی و خدمات مبتنی بر فناوری باشد. بهره‌گیری هوشمندانه از این ظرفیت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در آموزش، توانمندسازی زنان و حمایت سیاست‌گذاران برای ایجاد فضای کسب‌وکار پایدار است. در نتیجه، افغانستان با مدیریت درست این فرصت‌ها می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی پایدار را طی کند.

انواع فرصت‌های کارآفرینی را می‌توان در این جدول مشاهده کرد:

حوزه‌های فعالیت	فرصت‌های کارآفرینی
کشت گلخانه خیار، بادمجان رومی، بادمجان سیاه در سازه‌های متناسب به اقلیم منطقه به شیوه علمی	
کشت گیاهان دارویی (زعفران، هنگ یا انغوزه، خاکشیر، کاسنی) سازگار با منطقه به شیوه علمی کشت نبات صنعتی با ارزش (کنجد، پنبه، زیتون، چوب) کشت میوه‌جات (انگور، زردآلو، ناک، انجیر، خرمالو) کشت حبوبات (لوبی سبیلین، لوبی سرخ، نخود، انواع برنج)	زراعت
تولید مرغ و تخم مرغ به صورت صنعتی پروراندن صنعتی و سنتی حیوانات سبک و سنگین از قبیل گوسفند پشمی و گوشتی، بز شیری، گاوگوشتی و شیری و شتر.	مال‌داری
احداث سردخانه‌ها احداث کارگاه‌های بسته‌بندی ادویه‌جات احداث کشتارگاه‌های صنعتی احداث کارگاه‌های دباغی پوست و چرم حیوان و تولید و مصنوعات و فرآورده‌های چرمی تولید ادویه و ترشیجات محلی در غالب کسب‌وکارهای خانگی تولید کالاهای مزیت‌دار و قابل تولید در منطقه متناسب با نیازهای کشورهای همسایه از قبیل ایران، پاکستان، تاجکستان، ترکمنستان و ازبکستان.	صنعت



صادرات تمامی کالاهای مجاز صادرات محصولات صنعتی، زراعتی و مال‌داری فروش تولیدات محلی در مسیر ترانزیت	ترانزیت
تولید برق از انرژی بادی و خورشیدی احداث گلخانه و تأمین انرژی آن از انرژی های نو	انرژی های نو
ساخت صنایع بومی از قبیل سوزندوزی، سفالگری سنتی، گلیم‌بافی، خورجین‌بافی، جواهرسازی، خراطی، خامه‌دوزی، زیورآلات سنتی، تراش سنگ‌های قیمتی، دوخت لباس ملّی و محلی پارچه‌بافی و پلاس‌بافی.	صنایع دستی

(حسینی نیا، زراعتکن، ۱۳۹۷)

۲-۳. حمایت حکومت

حمایت و پشتیبانی دولت در زمینه‌های مختلف مانند ارائه اطلاعات تجاری و مدیریتی، شکوفا کردن توان بالقوه مردم و اعطای اعتبارات برای خرید ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های روز، نقش بسیار مهمی در رونق کارآفرینی، افزایش صادرات و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. چنین حمایت‌هایی به‌عنوان فرصت‌های کارآفرینی برای فعالان اقتصادی مطرح می‌شوند. برخی از مهم‌ترین حوزه‌های حمایت دولت عبارتند از:

الف) آموزش

آموزش کارآفرینی توسط دولت، سیاستی است که به‌طور مستقیم بر کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در جامعه اثر می‌گذارد. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای پیشرفته که موانع و مشکلات اقتصادی کاهش یافته، دولت‌ها به شکوفایی توان بالقوه مردم توجه کرده‌اند. آموزش سیستماتیک و برنامه‌ریزی‌شده، افراد علاقه‌مند به کارآفرینی را آماده می‌سازد تا نقش مؤثری در رشد اقتصادی ایفا کنند و اهداف اقتصادی و اجتماعی دولت، مانند افزایش صادرات و توسعه مناطق محروم، تحقق یابد (دادگر و غلام‌زاده، ۱۳۸۹).

ب) اعطای اعتبارات به بنگاه‌ها

یکی از اقدامات برجسته دولت، فراهم کردن دسترسی بنگاه‌های خرد به سرمایه مالی است. این اقدام بر این مبنا استوار است که بسیاری از بنگاه‌های خرد توسط افرادی با توان



مالی محدود مدیریت می‌شوند و دسترسی آسان به وام، ظرفیت‌سازی مالی آن‌ها را تسهیل می‌کند (ملاعت، ۱۳۹۲). اعطای اعتبارات دولتی می‌تواند منجر به رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و شکوفایی استعدادهای کارآفرینان شود.

ج) سرمایه‌های طبیعی فراوان

وجود سرمایه‌های طبیعی و خدادادی، فرصت نادری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در افغانستان فراهم می‌کند. مدیریت مؤثر این منابع می‌تواند به اشتغال‌زایی، خودکفایی و بهبود شرایط زندگی مردم کمک کند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های طبیعی افغانستان مرور می‌شوند:

۳. منابع معدنی

افغانستان بیش از ۱۴۰۰ محل معدنی شناسایی شده دارد که شامل ذخایر عظیم فلزات و سنگ‌های قیمتی است:

لیتیوم: ذخایر قابل توجهی در جنوب کشور، به ویژه هلمند، مورد نیاز تولید باتری‌های خودروهای برقی.

مس: معدن عینک در ولایت لوگر، یکی از بزرگ‌ترین معادن مس جهان.

آهن: معدن حاجی‌گک در بامیان با ذخایر تقریبی ۱۰۸ میلیون تن.

طلا، نقره، اورانیوم، کرومیت، زغال‌سنگ، مرمر، تالک، گوگرد: پراکنده در مناطق مختلف.

سنگ‌های قیمتی: لاجورد بدخشان، زمرد پنجشیر، یاقوت و یاقوت کبود. (<https://www.scribd.com>).

۱. منابع آبی

افغانستان حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آب شیرین دارد که از رودخانه‌هایی مانند هریرو، آمودریا، کابل و هلمند تأمین می‌شود و برای کشاورزی، تولید برق و تأمین آب شرب حیاتی است.

۲. جنگل‌ها و مراتع

جنگل‌ها: حدود ۱.۳ میلیون هکتار جنگل در نورستان، کنر، پکتیا و بدخشان.



مراتع: بیش از ۳۰ میلیون هکتار چراگاه طبیعی برای دام‌پروری سنتی و صنعتی .

۳. انرژی‌های تجدیدپذیر

خورشیدی: بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در سال، پتانسیل تولید بیش از ۲۲۲۰۰۰۰ مگاوات برق خورشیدی.

بادی: ظرفیت تولید بیش از ۶۶۰۰۰۰ مگاوات برق، به ویژه در هرات، بلخ و پروان. آبی: پتانسیل تولید ۲۳۰۰۰۰ مگاوات برق از منابع آبی .

۴. زمین‌های زراعتی

حدود ۱۲٪ از خاک کشور قابل کشت است و برای تولید محصولات متنوعی مانند زعفران، انار، بادام، انگور و گیاهان دارویی مناسب می‌باشد .

۵. تنوع زیستی

افغانستان دارای بیش از ۵۰۰ نوع پرنده و ۱۲۰ نوع حیوان وحشی است که در اکوسیستم‌های مختلف کشور زیست می‌کنند (<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

این منابع طبیعی بی‌نظیر، فرصت‌های کم‌نظیری را برای کارآفرینان و جوانان فراهم می‌کند تا با بهره‌برداری مسئولانه و مدیریت صحیح، ضمن اشتغال‌زایی، مانع مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور شوند. بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، عدالت اجتماعی و اعتماد به متخصصین و فعالان اقتصادی دلسوز است.

جایگزینی زراعت مفید به جای کشت مواد مخدر

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های کارآفرینی در افغانستان، جایگزینی زراعت مفید به جای کاشت مواد مخدر (به ویژه تریاک) است. تولید مواد مخدر نه تنها سلامت و بهداشت هم‌وطنان را به خطر می‌اندازد، بلکه به اقتصاد رسمی کشور نیز آسیب جدی وارد می‌کند. به همین دلیل، کشاورزی جایگزین، مانند کشت زعفران (طلای سرخ)، تاک انگور، بادام، انار و سایر محصولات با ارزش افزوده بالا، می‌تواند هم از لحاظ اقتصادی و هم از نظر اجتماعی، سودمند و پایدار باشد. این محصولات با بهره‌گیری از تکنیک‌های علمی و استانداردهای صادراتی می‌توانند به بازارهای خارجی عرضه شده و عواید قابل توجهی برای



کشاورزان و کشور فراهم کنند.

در چند دهه اخیر، افغانستان به دلیل جنگ‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی، با مشکل جدی تولید مواد مخدر مواجه شد. باندهای مافیایی با بهره‌گیری از خلأ امنیتی و فقر کشاورزان، آنان را با وعده‌های کاذب تشویق به تولید مواد مخدر کردند. این باندها محصولات تولیدشده را با قیمت ناچیز از کشاورزان خریداری و با چندین برابر قیمت به کشورهای همسایه و حتی اروپا صادر کردند. این چرخه نه تنها به سود نامشروع آن‌ها انجامید، بلکه خانواده‌ها و جوانان بسیاری را با اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی مواجه ساخت و ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه را تضعیف کرد.

جایگزینی زراعت مفید، علاوه بر ایجاد فرصت‌های اشتغال و افزایش درآمد کشاورزان، می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اعتیاد و بهبود شاخص‌های سلامت عمومی ایفا کند. این اقدام نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، حمایت دولت، ارائه آموزش‌های فنی و دسترسی به بازارهای صادراتی است تا کشاورزان به سمت محصولات قانونی و سودآور هدایت شوند. با این رویکرد، نه تنها اقتصاد محلی تقویت می‌شود، بلکه روند توسعه پایدار و کاهش آسیب‌های اجتماعی نیز تسهیل خواهد شد.

نتیجه‌گیری

کارآفرینی در افغانستان از اهمیت استراتژیک و ملی برخوردار است. علی‌رغم وجود ظرفیت‌های بالقوه انسانی، منابع طبیعی غنی و حمایت‌های نسبی دولت، توسعه کارآفرینی با موانع جدی و پیچیده‌ای مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به ناامنی، بی‌ثباتی سیاسی، کمبود نیروی انسانی متخصص در بخش‌های مختلف اقتصادی و محدودیت‌های زیرساختی اشاره کرد. این شرایط موجب شده است که بسیاری از ایده‌ها و ابتکارات کارآفرینانه نتوانند به ثمر برسند و اقتصاد کشور از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های خود محروم بماند.

بهبود فضای کارآفرینی در افغانستان نیازمند اصلاحات گسترده و هماهنگ در حوزه‌های امنیت، آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌ها، تقویت نظام حقوقی



و فرهنگی، و ایجاد محیطی حمایتی برای نوآوری است. حمایت مؤثر از کارآفرینان جوان و توانمند و فراهم آوردن فضای مناسب برای فعالیت‌های نوآورانه می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را هموار سازد و به رشد پایدار و کاهش فقر کمک کند.

نتایج تحلیل‌های ارائه‌شده در این تحقیق نشان می‌دهد که بهره‌برداری از فرصت‌ها نقش کلیدی در پیشرفت اقتصادی دارد. فرصت‌های اساسی کارآفرینی در افغانستان عبارتند از:

۱. وجود نیروی انسانی جوان، پرانرژی و آماده آموزش؛
۲. حمایت دولت از کارآفرینان از طریق آموزش، تسهیلات مالی و ایجاد زیرساخت‌ها؛
۳. بهره‌برداری از منابع طبیعی غنی و متنوع؛
۴. جایگزینی زراعت مفید به جای کاشت مواد مخدر؛

استفاده مؤثر از این فرصت‌ها می‌تواند نه تنها به توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کمک کند، بلکه زمینه‌ساز رشد صادرات، اشتغال‌زایی، تقویت عدالت اجتماعی و افزایش رفاه عمومی نیز خواهد بود. با اهتمام علمی و مدیریتی، و همکاری دولت، جامعه مدنی و نخبگان، افغانستان می‌تواند مسیر شکوفایی و توسعه پایدار اقتصادی را طی کند و جایگاه خود را در عرصه جهانی تثبیت نماید. امید است که تلاش‌های متمرکز و برنامه‌ریزی‌شده، زمینه بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها و فرصت‌های طلایی را برای کارآفرینان هم‌وطن فراهم سازد و کشور شاهد توسعه همه‌جانبه و پایدار باشد.



فهرست منابع

۱. ابطحی، سید مصطفی (۱۳۸۴). حقوق کارگر، چاپ دوم، اصفهان: چاپخانه اسلام.
۲. احمدزاده راونگی، آسیه، محمودزاده، صغری، و جعفری، افسانه (۱۴۰۰). بررسی تأثیر خلاقیت و هیجان‌خواهی بر کارآفرینی دانش‌آموزان، پژوهش‌نامه اورمزد، ۵۷، ضمیمه شماره ۲.
۳. باتلر، ایمون (۱۴۰۱). مقدمه‌ای بر کارآفرینی، مترجم: عبادی، تقی، کابل: مؤسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان.
۴. حسینی‌نیا، غلام محسن، و موسوی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۷). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها: روش‌ها و چالش‌ها، نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال یازدهم.
۵. حسینی‌نیا، غلامحسین، و زراعتکن، حامد (۱۳۹۷). شناسایی فرصت‌های کارآفرینی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، ۶(۳)، مسلسل ۲۱.
۶. خوشگوار، فاطمه (۱۳۸۵). کار و اخلاق کاری، ولایت قزوین.
۷. دادگر، یدالله، و غلامزاده، علیرضا. (۱۳۸۹). تحلیلی بر کارآفرینی در ۷۰ سال اخیر ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۰(۲).
۸. زیودار، مهدی (۱۳۹۸). فرصت‌های کارآفرینانه: الگوها و رویکردها، پیش‌فرض‌ها و دیدگاه‌ها، فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۹، شماره ۴.
۹. غیاثوند غیاثی، فرشته، و فرج‌الله حسینی، سید جمال (۱۳۹۰). تحلیل موانع و محدودیت‌های توسعه اشتغال در تعاونی‌های تولیدی کشاورزی ایران، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی.
۱۰. فکور، بهمن (۱۳۸۸). کارآفرینی دانشگاهی: مفهوم، زمینه‌های پیدایش و نحوه دست‌یابی، فصلنامه رشد و فناوری.
۱۱. ملامت، جلیل (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی، سایت لینکدین.



۱۲. مهدی‌زاده اقدام، شیوا، و همکاران (۱۴۰۰). شناسایی تأثیر معیارهای عدم اطمینان در ارزیابی فرصت‌های کارآفرینی در کسب و کارهای فناور، مقاله پژوهشی، دوره ۸، شماره ۴، پی‌آپی ۳۲.

13. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

14. <https://www.scribd.com>